

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش

نامه‌نگاری

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

شنبه ۴ تیر ماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۱۸

شرافت و میهن دوستی

شرافت و میهن دوستی

این است شمار آدم‌دانی که ابرهای تیره موادت ناگوار توانست نور امید قلب آنگ را از بر تو افکنی مانع شود. این است شمار فرزندان حقیقی ایران که تنه‌های بدبختی توانست دوست آنگ را از بیخ و بن براندازد. این است شمار کسانی که در برابر امواج خروشان سیلهای مهیب مغاپرات عشق وطن را از دست ندادند. این است شمار افراد پاک‌کی که بآب و خاک خود علاقتند.

میهن ما، ایران، روزهای تلخی را گذرانیده هم‌اکنون بی‌موانع و مشکلاتی در راه دارد بطوریکه اگر فرزندان - صدیقش در این روزهای سخت بسکک او نشایند نه تنها سوابق تاریخی او لکه دار خواهد شد بلکه بقایش نسب مورد تهدید خواهد بود.

چند سال جنگ با کمال سختی گذشت انواع محرومیتها، محرومیت های مادی، و معنوی، تحمل شد بامید اینکه جنگ پایان یابد و سر نوشت ما هم که تنش بزرگی را در این بیروزی بازی کرده‌ایم معلوم گردد ما خود نیک میدانیم که در راه - بیروزی چه زحمت‌ها کشیده‌ایم دنیا هم آن را تصدیق دارد بنا بر این از این بیروزی ما هم باید بهره‌ای داشته نصیبی بگیریم.

دو این موقع که سر نوشت ملل جهان همین میشود ما باید بیش از هر وقت بیدار و مراقب باشیم ولی افسوس مییم در این روزهای مهم تشنج درهه جا و در کلیه از کجای حیاتی کشور حکمفرماست و دامت آن روز بروز هم گسترده‌تر میشود.

بی سامانی کشور از یکطرف و سر - کردانی و بلاتکلیفی مردم از طرف دیگر دست بدست هم داد و اوضاع آشفته قلبی ما را بار آورده است و روز بروز رو به و غلغله می‌رود بطوریکه مردمان مطلع خطر بزرگی را پیش بینی میکنند.

موقع آن نیست که باختلافات داخلی

و اعمال نظریات خصوصی وقت تلف شود برای تصفیه حساب وقت زیاد است درین موقع باید صلحای قوم از گوشه کنار بیرون آمده یک اصل مسلم دنیا، عظمت ایران است که هیچ فرد ایرانی جسکت آن نیست هدف انتقام نموده شمار خود را شرافت و میهن دوستی قرار داده و با ایمان ظلم ناید بر در سایه این شمار بسوی هدف پیش‌روند. مرد با شرف از جاده حقیقت و مصیبت قدمی دورتر نخواهد شد و شخص میهن دوست کاری که لطمه به حیثیت ملی او را وارد آورد مرتکب نخواهد شد بنا بر این وقتیکه مردان با شرف و میهن دوست گردهم آیند هیچگاه قدمی که برخلاف مصالح کشور باشد بر نخواهند داشت.

نخست وزیر روی کار خواهد آمد که مورد اعتماد کلیه افراد ایرانی باشد و زبانی زمام‌امور را درست خواهند گرفت که هر فرد ایرانی چشم و گوش - بست در اجرای او امرشان مطیع محض باشد.

در مقابل چنین دولت صالح و خدمت گزار میهن و کیلی علم مخالفت بر نخواهد انراشت و هیچیک از مطبوعات کشور کوچک ترین قلم مخالفتی بر کاغذ نخواهند گذاشت بنا بر این صلحای قوم و اشخاص با شرف و میهن دوست راه عاقلانه قرار داده میگوئیم ایران در خطر است - شاه فرزندان این آب و خاک بیش از این کنار گیری نکنند بیش از این باین خفت و خواری تن در ندهند اوضاع مملکت، مملکتی را که بآن نفس مرگند خوب در نظر مجسم نمائید بیچارگی مردم را خوب مورد توجه قرار دهید و بدانید شما مدیون این آب و خاکید و باید دین خود را ادا کنید در گوشه‌ای نشین و بچال زار ملت و مملکت افسوس خوردن و دست‌و‌پا روی دست گذاشتن کار جوانان مردان نیست.

شاکه سالها خوشام زنده گی کرده و خودتان در وفاداری و میهن دوستی و

شرافت خود تردیدی ندارید دوستان خود را جمع کنید از هر دست و هر طبقه‌ای هستید با هم متحد شوید تا شما فرزندان پاک ایران کمر خدمت بندید اطمینان داشته باشید باین اوضاع تک‌آور قطعی‌خانه داده نخواهد شد.

برای ما که خود را ایرانی میدانیم اگر ایران را زیون و بست ببینیم آیا تک نیست؟ آیا در چنین حالی شجاعت نیکشیم بگوئیم در چنین کشوری زیست میکنیم و در چنین مملکتی سستی داریم؟ وزیر بودن در مملکتی که در نزد دیگران ارزش و آبروی نداشته باشد غیر تک چه شهرتی دارد؟

و کیل بودن و کیل عده‌ای گرسنه و بیچاره بسیار و در مانده‌های سواد و جاهل آیا واقعا شان و اقتدار است؟ آیا در چنین حالی ملل دیگر جهان بنا، بسلکت ما، بدولت و مجلس ما بپدیده احترام خواهند نکرست؟ یا ما را در عداد بهایم خواهند آورد.

اگر شما صلحای قوم، مردان با شرف و با ایمان و وطن دوست تمام این تک‌ها را قبول دارید و باز در مقابل تمام این اوضاع شرم آور قطعی حاضرید لب نکشاید و تکن تصوریه نام ایرانی را از روی خود بردارید تا بهیبت کشوری دیگر را قبول کنید بگذارید اقلا این شرافت برای ایران بماند که دیگران بگویند ایران از میان رفت در حالیکه پاک ایرانی نمانده بود.

امور مملکت ما بدست های لرزان یا ناتوان و با فاسد سیرده هده مردم بیچاره با چشمانی بر از اندوه و حیرت منتظر نتیجه کار این دستهای مرتعش میباشند.

از این دستهای لرزان و از این اشخاص بی بشتیان چه انتظاری میتوان داشت؟

اکثریت مردم این مملکت که جز جهل و نادانی تصعیری ندارند باید بکجا پناهنده شوند آیا با بودن ایرانیان پاک منور - الفکر و میهن دوست شایسته است دست بدامن دیگران شوند از آنها دوی درد های خود را بخواهند آیا برای ایرانی با وجدان این تک نیست؟

آیا برای ما تک‌آور نیست بجای تشویق و کوشش در ایجاد وحدت و مصیبت و راهشانی منفات روزنامه‌های پان فاقش و ناسرا رسیت باید

چه کند روزنامه نگار بیچاره واقعا در چنین محیطی بیچاره است در محیطی که وکیل و کیل دیگر را دزد میگویند و دزد خوانده شده قادر نیست از خود دفاع کند، در محیطی که وکیل وزیر را رشوه خوار میداند و وزیر وکیل را قاچاقچی معرفی میکند در چنین محیطی روزنامه نگار چه بکند آیا باید تعریف کند که

اخبار داخلة

عزیزت علیا حضرت ملکه بهنصر
صبح روز چهارشنبه سیام خرداد
علیاحضرت ملکه بوسنله هواپیماسوی مصر
هزیت فرمودند.

ضیافت بافتخار شیر کبیر هنر
آقای سفیر کبیر افغانستان بافتخار
آقای سفیر کبیر مصر ضیافتی دادند از
آقای معاون وزارت خارجه و روسای
اداره های آن وزارت خانه و عده از
نایندگان سیاسی خارجی قیم تهران هم
دهوت نموده بوده اند.

بازداشت شمس جلالی

شمس جلالی کلامبردار معروف
چند روز پیش خودرا به دادستان دیوان
کبیر معرفی و بلافاصله دستور بازداشت او
صادر شده است.

انتقال بلاخ سعد آباد

بمناسبت فرارسیدن تعطیل تابستان
از روز پنجشنبه سیام موبک علیحضرت
هایولی بلاخ سلطنتی سعدآباد تشریف
فرماگردیدند.

از روزشنبه ۲ تیرهم وزارت دربار
شاهنشاهی و دفتر مخصوص شاهنشاهی در
کاخ سلطنتی سعدآباد دایر خواهد بود.

حادثه اسفناک راه آهن

چند روز پیش یکقطار باربری که
چهار واگن آن حامل مسافر و ۱۳ واگن
حامل نفت و بنزین بوده در نزدیکی -
اندیشک ازخط خارج شده و در نتیجه جرفه
که تولید میشود واگنهای حامل نفت و
بنزین آتش گرفته و بواگن های حامل

مسافرم که پس از خروج ازخط در نتیجه
فشار درب های آنها بسته بود سرایت
کرده در نتیجه از ۳ نفر مسافر که در
آن قطار بوده اند ۲ نفر سوخته و مفقود
الانتر و چپن نفر دیگر مجروح و ۱۲۶ نفر
سالم بوده اند. پس از رسیدن خیربلافاصله
قطار امدادی بحال عادت رفته و مجروحین
را جمع آوری مینمایند ضمنا عده از -
مسافرن هم که خودرا ازقطار پریت کرده
بودند با اشرار معادف و آنها را غارت و
لغت کرده اند.

قنیه از طرف لشکر ۵ تحت تعقیب
میشد.

استعای معاون وزارت فرهنگ
آقای دکتر افشار معاون وزارت
فرهنگ از شغل خود مستفی گردیدند.

بازگشت بازرس فرهنگ

آقای علی امیر عدلی بازرس وزارت
فرهنگ که چندی برای ایراد خطای های
فرهنگی بتواضع مختلفه گردستان ماموریت
داشتند بظهران مراجعت و در نظر دارنده
یادداشتهای مسافرت خودرا بوسیله رادیو
باطلاع عموم برسانند.

اخبار شهرستانها

سندج

۱- پست تهران در این فصل که هوا
خوب و جادهها قابل عبور است ۱۵ روزه
و بیست روزه بستند میرسد گویا علت
این تاخیر منقضی شدن کنترات باربری با
پست و تلگراف است بانوجهی که اداره
پست تهران در منظم بودن پست دارد شایسته

است توجه محسومی بنابین امر مینویس
دارد.

۲- در نتیجه اقدامات پیروزمندانه
خلع سلاح ۱۱ اتفاقات ذیل روی داده است:
دو شنبه ۲۴/۲/۳۱ در قریه دهرتفه
خانه ای غارت و قریب ۵ هزار تومان اموال
بسرقت رفته است.

لیله چهارشنبه ۲۴/۳/۱۶ خانه فتح افه
بام وجبی در قریه و رملکان غارت حسین
نام و زنش بافداره مجروح برادرزاده اش
با تفنگ زخمی و دو نفر دیگر هم مجروح
شده اند در حدود ۵ هزار تومان اموال
غارت شده.

لیله ۲۴/۳/۱۸ گله قریه هی جانان
در ۹ کیلومتری سقر مورد دستبرد قرار
گرفته است.

۳- گله ای گوسفندرا در حدود
۴۳۰ راس آقابان مصعود صادقی و عهدالله
کامی ساتانی برای فروش بشهر آورده
بودند اگر چه در حدود ۴۸ راس آن
از بین رفته (۱) بقیه را با خریداران بنام
ایشکه گوسفند قاچاق است از طرف لشکر
توقیف کرده اند.

معلوم نیست لشکر در چنین مواردی
چه ملاحظت توقیف دارد گوسفند از چه لحاظ
قاچاق است و چه مقامی باید قاچاق بودن
گوسفندرا تشخیص دهد و چه مقامی باید
دستور توقیف صادر کند!

این عمل تنها برای نابالیدن قدرت
است عکس العمل این اعمال این خواهد
بود که گله های گوسفند از مرزها بطرف
هران بوسه یار شده و در شهر گرانی گوشت
هم مزید بیرون رخن و نان و سایر اجناس حکم -
فرما باشد.
ولی اطمینان داشته باشید بانام این
بازبیا مردم با خون سردی جواب میدهند
در عقاید خود بافتخاری خواهند نمود.

در حمایت سرنیزه

شب ۲۴/۳/۲۲ در دبیرستان
هدایت مستدج بیس اخلاقی
نمایش داده شد. سخن حیاط
را که برای تستن تماچین
آماده نسوده بودند از
مامورین بیس و دژبان
ملو بود بطوریکه تعداد
این قبیل ماموزین بیش از
تاشاچیان بود.

سربازانی که برای
حفظ امنیت ناظر فرستاده
شده بودند سرنیزه را باه
تفنگ هازده در زمین صفوف
تاشاچیان در گردش بودند
منظره این نمایش ماتداین
بود که عده ای جانی و ایرای
سرگرمی باین مکان آورده
اند.

اگر چه طبق آئین نامه
های ارتش در شب نباید به
تفنگ سرنیزه زد ولی جانی
که فرماندهان عالیقدر (۱)
بخواهند سرنیزه را بر خ مردم
بکشند دیگر آئین نامه
مفهومی ندارد.

این است نحوه ای از
تفریحات و شب نشینی برای
مردم گردستان باز بایسه
هزاران رخت فرستاد که
به جرم چپ نگاه کردن به
نوک سرنیزه عده ای را به
حبس نینداخته اند.

وقایع آزارات

-۴-

مدافعین آزارات ، زمستان سال ۱۹۲۶ را در دهکات سینه کوه
براحتی گذرانیدند. در این فصل بود که «نرشکی» یکی از فدائیان ملی
کرد، که با حسن فداکاری، فهم و شجوه، جرأت و شهامتش در میان همگان
موفقت خاصی برای خود بوجود آورده بود با برادرش «چرخه» وارد
آزارات شدند.

بهار سر رسید. آزارات مانند مادری که بچه های بیتم خود را برای
معاظنت از آسیب دهر بر روی سینه بر حرازش می فشارد، لباس سبز و -
خمرش را بر تن کرده ، دلآوردان خود را در آغوش پر محبتش جای
داد .

«شیخ عبدالقادر» که یکی از رؤسای باشهات ایل «ساکنان» بود و
در دامنه جنوب غربی آزارات سکونت داشت و از طرف دولت ترکیه باز
داشت و بنظنه غربی اناطولی تبعید شده بود با برادرش « صالح » از
تبعید گاه فرار و خود را به آزارات رسانیده. عده ایل ساکن آزارات ندین
هم باو پیوستند.

هوا گرم شد. کوهها توانسته از مهانها پذیرائی کنند. توبت حمله
با آزاراتیا رسید.
یکروز صبح زود اهالی شهر بایزید با عده ای تفنگ و صغیر گلوله های

آزاراتیا از خواب ناز پریدند با اصطلاح ترکی « قاچاقها » بشهر حله
برده بودند تا شام جنگیده ولی توانستند شهر را اشغال کنند ناچار به
پناهگاههای خود بازگشتند.

این واقعه دولت را بخود آورده اهمیت آزاراتیها را واضح تر
ساخت از اینرو دولت معمم شد بهیچت که هست بنظایر اینگونه حادثهها
خانه دهد.

اواخر تابستان ۱۹۲۷ بود يك سپاه ترك مامور شد که آزاراتیا
را خانه دهد. این سپاه از هه طرف با آزارات حمله برده
قتون ترك غلط مرتفع آزارات را اشغال کرده و برگردنه بلند
آگری (میان آگری بزرگ و آگری کوچک) چادر زدند.

آزاراتیا پشت سرحد بیطرف ایران داده جلوی دشمن را گرفتند
نستی از جنگجویان با استفاده از وضیت جغرافیایی محل خود را پشت
قوای دشمن رسانیده جنگ و گریز برداختند تقریبا بیست روز با این
جنگ و گریز ها قوای دشمن را خسته نموده و نستی از قتون ترك
را که از جنوب داخل آزارات شده بیشترت محسومی نموده بودند مجبور
ببغ نشینی پیدا حمله خود کردند.
در این مدت عده ای از جوانان دیگر کرد خود را بیک برادران آزاراتی
رسانیدند.
پس از عقب نشینی قوای ست جنوب توبت بیباده نظامی که بالای
تپه های شمالی موضع گرفته بودند رسید. قوای ترك در این ناحیه دست
بعدهای شدیدی زدند بایسه اینکه عقب نشینی قوای جسنوی را جبران
نموده بان پیوند و برای پیشرفت این نقشه تسوای غربی نیز بر فشار
خود افزودند.

افتخار نژاد کرد

در این مقاله روی خطاب من با نهایت که با از اثر تلقینات سیاسی اساس دشمنان و به خواهان این قوم بزرگ و بدو نتیجه کوتاهی فکر و کسی معلومات، در حقیقت احوال و نژاد و ارزش این طایفه پاک نژاد و خالص آریانی را ملاحظا پیوسته و با مصلح تنهایی زفته اند. دستور تیاگان ماست که گفته اند.

برای من و تشعیر احوال و روحیات هرمت از زمین و نوارب من دیگر افتخار سید کنید. بشهدت تمام تواریخ معزیر. یونان زود مقدم و دولت اسلامی.

ملت کرد اربا کترین نژاد آریا بوده و همه جابا ابراز شجاعت شهامت و فداکاری و مردانگی در صحنه تاریخ کوی یکتایی بوده و دادمردی داده است.

خدا را کوا میگیرم که حسن کردیت و نعم ملیت مرا و از بوشتن این معصوم شده و تنها مرا مومقصود من آگاه کردن بیخبران و کوردلانی است که غودباداشتن هزار حبس و نفس. تهمت شعرو عیب بر دمن پاک این گروه نجیب وارد میکنند.

در ضمن مرون و ادوار مخطی که این سرزمین وسیع حتی ایران میدان ناخست و ناخفوی استان بوده و امثال یونانیها -

مهرها - منوالها پای قدرت بر سر این کشور نهاده اند کرد بگانه محافظ و از جان گذشته بوده و از روی حس مردانگی که معاونت چانت ضعیف است و برای قدرت و استعلا این دولت قدر شناس مردان و جاداری و جانبازی نموده است و اثر گنهی هفتاد و فیروزی نصیب ایران شده باز نموده کرد حامل پرچم شرف بوده و در این راه هم پیشرو و پیشقدم بوده است.

آری ملت شرافتمند کرد تک شکست در بانی ترموییل و با شرکت در جنگ دیگر شتابار شا و یونان و فرار دادن سپاهه هزار نفری آنها (با آن زبانی که کز خون بیان میکنند) از دامن تاریخ این کشور پاک کرده است

ملت کرد لکه بدنامی سلطنت شاه سلطار حسین و اشرف افغان را با همراهی سپاه مادرو شاه افشار و فتح دعلی معوم نابود ساخته و در همه جا شیامت ذاتی و خوی مردانگی خود را بجهان و جهانیان نشان داده است.

اقسوس نمیشود دست بردن تاریخ گذاشت تا نکوید. هرگاه سایر اقوام معنی این سرزمین تک و بدنامی فراهم آورده و تاریخ این کشور را شرم آور کرده اند بود کرد در معوم نابودی آن ساعی بوده و دوسوزانه در این راه از پهل جان و مال دریغ نکرده است . . .

محمد - کناگر

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

بفدر مناسقم که برای جواب به تلگراف عده معدودی از اهالی گروس مندوچه در صفحه ۸ شماره ۱۰ - کوهستان اجازه بیشتر از یکستون کوچک روزنامه را داده اید. اما باین وصف به مفاد درخانه اگر کسی است یکسرف پس است؛ اکتفا کرده توجه امضا کننده کان تلگراف گروس را بنگات زیر معصوف مینماید.

۱- آقایان گروسی بیش از هر چیز جمله (آری این تلگراف داده از صمیم قلب و حقیقت گوئی که نه بزور دژبان و نه بغواش و تنشای اشخاص مغایر . . .) فکر مرا بفرود معصوف ساخت و بر خیرتم افزود چون مفادش منی بر مثل عس مرا بگیر بود، ای مردان حسابی گروس اگر راست میگویند اگر بعقوبت مینویسید اگر دست ظلمت را در این تلگراف حق گوئی شما با بوده چه مجبور بودید وجه ۲۲ کله جمله بالا را که جز عوام فریبی منظوری نداشته اید بفرود تلگرافخانه بدهید تا مگر کسی از شماها شاهدان محت گفتارتن را خواسته بود اعانه دروسب غیر شود اگر خدا خواهد اول این -

تلگراف سطحی شما خود بهترین دلیل پاره سرائی یا بهتر بگویم حکم دژبان و خواش اشخاص ذیقام را میرساند تا نیا بر اهیت و ایت جریبه -

کوهستان بیش از پیش افزود بر کسی با جریبه مورد انتقاد فرار میگیرد که شایسته آن باشد از طرف دیگر چه در بیچاره اید که هنوز بضمای انتقاد بی نبرده اید و کله منی بانی را با آن اطلاع کرده اید در صورتیکه انتقاد منی بر حقیقت یگانه وسیله خوشبختی و ترقی ملل متدن عالم است و بگفته مفده جوانان نمیتوان انتقاد را حل بر غرضرائی کرد.

۲- امیدوارم کسانیکه کور کورانه شما را و ادوا بخایر تلگراف مزبور ننوده اند بهین منواله حقیقت مطالب کوهستان و جملات زبده آراسع مبارکشان رسانده و بقلبتان رسوخ دهند البته چون شما محق گو و با وجدان و دارای عقل سلیم هستید پس از خواندن مندرجات کوهستان بنده امت خود آگاه وانگشت پشیمانی را بدندان فرد خواهید برد و میگویند و . .

۳- در روزنامه کوهستان و کارکنان محترم آن بر عکس شما در این دوره مشروطیت یعنی حقیقی آزادی قلب و آزادی فکری برده اند و آرمانی هم جز غیر خواهی و اصلاح مللی جامعه ایرانی ندارند و نوشته های نامه های ایشان از روی مدارک بوده سهل است بلکه صحت مدقرون بودن آن ها ب حقیقت محرز و در انظار عامه ثابت و جلوه گر است اما چه سوء کافره را بکیش خود ندارد شماهای بیچاره بداد پنج سال و اندی ادامه جنگ خائنانه

قلم آقای دکتر بوس برهامی

نظافت و پاکیزگی کودک

در شماره های گذشته نامه کوهستان از عواملی که در تاملین بهداشت کودک مؤثر میباشد چند قلمه را شمرده در اطراف آنها محبت نمودیم اینک از عامل فوق العاده مهم دیگری که عبارت از نظافت باشد و در واقع تدرستی کودک مرهون و مولود آن است در گفتار امروز خودبعت مینماییم.

میدانیم که پوست بدن نه تنها اعضاء و احشاء جسم ما را پوشانیده و حیات میکند بلکه خود آن نیز از عضوی است که تنفس مینماید هر قی پس میدهد و بوسیله عدد میکروسکوپی مقداری جرمی ترشح میکند - این عرق و این جرمی با گرد و خاک مخلوط شده منافق پوست را مسدود ساخته و مانع تنفس آزاد آن میشود از طرف دیگر پوست بدن کودک خیلی لطیف تر و نازک تر از اشخاص بالغ است و میکروبها و جرمهای مضره میتواند به آسانی با آن تشرش نموده و ایجاد جراحت و جوش و غیره نماید علاوه این نکته مسلم است که ناخوشیهای مری بیشتر گریبانگیر کودکان کیف و عاری از بهداشت میگردد.

از آنجا اهمیت نظافت و استحمام کودک آشکار میشود.

استحمام کودک - ناسن ۶ ماهگی بدن کودک بایستی لایق درووز بکیار شستشو شود. و این کار آب زبانی لازم ندارد و هر مادری میتواند مقداری آب روی اجاق گرم نموده و در غلظت یا ظرف بزرگی طفل را آب تنی دهد - آب باید هم درجه حرارت بدن باشد یعنی در حدود ۳۶ الی ۳۷ درجه اگر میزان الحراره نداشته باشید برای منجش گرمای آب کانیست که آرنج خود را در آن فرو برید تا از کسی باز بادی حرارت آب یا بیشتر شود. حمام دادن کودک خوب است در ساعت ۹ صبح انجام شود گاه که کودک شب هنگام بپتقاری کرده و خواب آرامی نداشته باشد بهتر آنست موقع عصر ویرا استحمام نمایند در هر صورت آب تنی کودک نباید بعد از غذا و یا قبل از بگردش بردن او صورت بگیرد.

در هرگز استحمام کودک بایستی نکات زیر را مورد توجه قرار دهید:

۱- پس از آنکه دستهای خود را با آب و صابون شستید ابتدا چشمهای بچه را با تغذیف یا دستمالی تمیز که با آب جوشیده آغشته شده باشد شسته و پاک کنید - اگر یکی از چشمها قرمزی یا ورم داشته باشد اول چشم سالم را بشوید و سپس چشم ناخوش را بطوریکه آب از چشم مریض بطرف چشم سالم سرازیر نشود . پس از آن صورت طفل را با پاک تغذیف دیگر و همان آب جوشیده شسته و آنگاه بصابون زدن موهای سر و تنام بدن در حمام دستی بردارید مدت حمام از ۱۰ الی ۱۵ دقیقه نباید تجاوز نماید بعد از این مدت کودک را از آب بیرون آورده و بدنش را با حوله بلبایت خشک کنید سپس مقدار گرد تلق بکسنتهای چین دار بدن مانند کشاله ران و زیر بغل بپاشید و لباس تمیز را بپوشانید بالاخره بعد از حمام سهیم شیر یا خوراک را بکودک داده و بخوابید و اداش نماید .

در تابستان آب تنی کودک با آبی که در جلو آفتاب گرم شده باشد بسیار نافع است . .

بچه در صفحه ۶

الللی که بختور آزادی و رفاه حال ملل است هنوز بخواب سنگین خرگوش نموده اند و میخواهند دیگران هم مثل شماها کور کورانه زیر بار زور لومی و اوردن برودند میخواهند از این دام دوروه دیکتاتوری و قلدری را زنده نمایند میخواهند از راه حقه بازی و درومی اکراد امیل را به اسارت و بندگی و بردگی دیگران در آورید . میخواهند از منفی پانی های که برای خوش آیند عده مبین فروش است مظهر کوهستان را تبدیل به اهریمن کردستان کنید بیخشد جریبه کوهستان و مطالب شیوای آن در احقاق قلب هر ایرانی پاک سرشت بویزه اگر اریته دوا نه سیلابی جز مرگ با نهادم آن قادر نیست چه وسد بشنا های قامد جیره بخورد .

مهاباد - هاشم خلیل زاده

بقلم س
ازبانه

ابدکار فرماندهی

بادهای سرد کوهستانی آذربایجان و زین
گرفته سربازان قناج و بیچاره بانه بانی
لرزیدن گذاشتند ولی این رمای شدید و
مشوبه در بدن فرقه ماندهی معظم که بر اثر
نوشیدن کنیاک و شرابهای خارجی که آنهم وسیله
آدمهای مخصوصی از عراق وارد میشد تیری
نداشت.

تا اینکه روزی شیشه پنجره اطابق
فرماندهی بر اثر شدت باد شکست و سرما
بداخل اطابق وارد گشت و حضور سرهنگ نسب
رقیقش متاثر گردید و تصمیم گرفت که بودجه
دولتی را جهت سربازان در اوت و نور بدین گن
ملت خرج کند ولی پول است به جان آسمان
بدو آمدیم بدین واسطه چند دقیقه متفرق شده تا
این که از نظر سیکرش یکی از بدایع عالم
فرماندهی تراوش نمود بدین معنی که در یک کیلو
متری جنوب بانه کوهی به ارتفاع ۵۰۰۰ متر
یا سر برافراشته و به (آرینا) مشهور است تا
ارتفاع کسراژ سه هزار پدیش خاکی است
حاصلگیر که ملو از انبهای انگور و سیب
و امرو و مازوج و غیره است و در اصلاح
معلی این باغبانان را سانا گویند و نیسی
از ساکنین شهر بانه و دهت اطرافش از
این باغبانان امرار معاش میسایند.

حضرت فرماندهی جنین امر فرمود که
چون بریدن در ششهای چنگل زحمانی
وارد چهار پنج کیلومتر هم از شهر و معل
پادگان دور است لازم است واحد های
مختلف ارتش شاهنشاهی نیاز مند بهای سوخت
زمستانی خود را از باغبانان آریا رومع
نمایند.

سربازان بیچاره بعد از بیرون رفتن هوا
بجان آمده اند این فرمان مخصوص را چون سروش
غیبی دانسته کور کوران تیشه بیداد بر
دیشه این درختان متبر که بدون جبر توده
مستند آبیاری شده بوده زده و مدت چهار
ماه و نیم المی پنجم نیاز مند بهای سوخت
سربازان و مطبخ و نانواخانه پادگان
بانه بگردند تا زمین این نور چشمی ها حمل
بصرف سوخت رسند.

ناله و فریاد سودی بیخنده تا اینکه
خدای بزرگ رسی کرد و وجود مبارک
سرهنگ بایندر را بملت کرمانشاه ارزانی
فرموده این هزار تایل را برای جان سربازان
آن تپ گسیل نمود.

ناگفته نماند که بعضی سربازان که
پوشین نداشتند و حوصله هیزم آوردن هم در
خود نپدیدند خود را از گروه دزدیده و
بخرابه های عارت داخل شده بنای بیرون
آوردن تیرهایی که از آتش سوزی رهایی
یافته بود نداشتند و دیواری را جهت تنها
تیزی که ارزش پنجره را نداشت و بران
میکردند در این حلیات ابتکاری دو نفر
سرباز بخت برگشته هم که در اثر سرمای
شدید بجان آمده بودند شکست و ترک بزرگ

از سندیج

هفته گذشته اطلاع دادیم که برای
تمییز کننده حضرت و پس تحت نظر آقایان مهدی
سابق وزیر و حسین مهدی وزیر و جوش
جمع آوری خواهد شد اینک صورت اسامی
در این امر خبر شرکت نموده اند به
ترتیبی که سایدنگی نامه کوهستان از سندیج
گزارش داده ذیل درج میساییم.

- ۱- آقای حاج مشیر دیوان ۳۰۰۰ ریال
- ۲- آقای اعزاز الملک ۵۰۰ ریال
- ۳- آقای میرزا فتح الله خان ۵۰۰ ریال
- ۴- آقای اشرف الملک ۵۰۰ ریال
- ۵- آقای میرزا وجه الله خان و خانشان ۸۰۰ ریال
- ۶- آقای حبیب الله مستند وزیر ۳۰۰ ریال
- ۷- آقای حسین صدیق وزیر و خانشان ۱۵۰۰ ریال
- ۸- آقای میرصادق ۱۰۰ ریال
- ۹- آقای عزیز الله مؤیدی ۵۰۰ ریال
- ۱۰- آقایان عباس و ناصر آزاد پور ۵۰۰
- ۱۱- آقای سبب مشرفی ۱۰۰
- ۱۲- آقای سید عرفانی ۲۰۰
- ۱۳- ناصر مستوفی ۲۰۰
- ۱۴- آقای محمد صادق وزیر ۲۰۰
- ۱۵- آقای امیرزاده ۵۰۰
- ۱۶- آقای امجد الاشراف ۱۵۰ ریال
- ۱۷- شیخ احمد غیانی ۳۰۰
- ۱۸- نصیری رئیس بخش ۱۰۰
- ۱۹- مصباح رئیس حسابداری دارائی ۱۰۰
- ۲۰- مهدی مستند وزیر ۲۵۰
- ۲۱- اسد الله مستند وزیر ۵۰۰
- ۲۲- آقایان عزت الله و سید الله رشیدی ۱۵۰۰
- ۲۳- حاج احمد گرباسی ۱۰۰
- ۲۴- صالح چاوشی ۱۰۰
- ۲۵- عبدالغلق سفری ۲۰۰
- ۲۶- حاج عبدالصمد صابونی ۲۰۰
- ۲۷- میرزا عبدالرحمن ۲۰۰
- ۲۸- حاج محمد صلاحی ۱۰۰
- ۲۹- حاج معی الدین پیرامی ۱۰۰
- ۳۰- حاج باقر رحیمیان ۲۵۰
- ۳۱- محمد علی خانی ۱۰۰
- ۳۲- حاج محمد حسن برادران ۲۰۰
- ۳۳- صالح احمد زاده ۱۰۰
- ۳۴- حاج احمد شمس ۲۰۰
- ۳۵- حسین قاشچی ۱۰۰
- ۳۶- احمد رشیدی ۴۰۰

بقیه دارد
دیوار را ندیده برای تیریکه از دور با آنها
چشک میزد رفته همین که تیر را بیرون
کشیدند دیوار قطور ریخته زیر آوار جان
داده فدای مقاصد بلیه فرمانده معظم تیب
آقای سرهنگ بایندر گردیدند کسی هم
نرسید این دوسرباز بیچاره چرا مردند و
فرمانده معظم غم پابرو نیارود.

لده بیاتی کوردی

وصف و تشبیه له له له له صدها

زمانی کوردی له رنگی له له له مته وه تری بی نور و سره نیج
بدین، پایه بکی وای هه به کوهیج زمانیکی زیندوی بیرو زین پی
بوته وه کوه تم بای بی به رزه ده رخم و بیخه به بر جای خون نوره به
ریز مکن به گولی و توتی بری وینای دوسفو تشبیه بی شاعیرانه
شاید ده نیم جانه وانای کو خاونی دل و ذوقن پانک ته که تا به
بیدیکی نیز بیره له چه شته هه له سانه به توه و به به وزیا له وه بیانی
تیمه شایه تین!

ایست. سره نیج بدن بو بزیکی قسه خوش و خاون ولی کورد له
فزه وه چون تار یف ته!

زولنی لول ته بو زولنی اول ته بو- گا تریز، گا کر نیج، دامه فتول ته بو!
وه له پ بانی جه لا بدهی بی - لاوه ته و زولنه من بیزارم لی!
براون بو بزیکی تری کوردیش بی ته لی!

ده خیم هه له سسی صبحکاهی جیکه می دله!
بلاوی بی مده. تو زولنی ته و نازاره هه شکینه!

تیمجاله برچ پینه خواره وه له کوناوه جهی هه له ستایه
تیه وه برو این شاعیری کورد وصفی برو چون ده کا وهیزی بی چون
پیشان ته دا!

بالی کیشاوه به سه رحسانه دلواوه برو.
وه ک هوماگه بی مده قامی بی له سه رجاوه برو!

ببایه زور وه ایسانی بچو کی هه ر مده من!
چون له روی روزا براهه تیهی کیشاوه برو!

وه تگه فت اهلی موجب تاقه بی لی دهره جی
تیهی را کیشاوه. له مری کوژتی داوه برو!

جانوزی بیخه خواره وه و یاش سه ر نه جی برزانک بدن تابوتان
دهر که وی کوشاعیری کورد له گشت که سبب باهیز تر و شاره زانتره
یووینی و صلی برزانک هه ر به بیکی کوردی کوردی. ته کیر نیوه
ته وه کوه لی!

لهوش تورا ست ده لی و قاتلی دل لی، له دی بو جی!
به به ک به ک تیری برزانک ته خورده شوین دی له سو فاری!

هه ی هه ی بروا نه بولیویکی تریش بو برزانکی دل رقیسه خوشه و بسته
که ی چه ی ونوه.

بیکت جهرک و تن وه برزانکی وهش!
ته تکی له بریشم تنک تنک خوینی گمش!

تکاده کم، له دوای بیستی وصفی برو و برزانک توی تریج
بینه خواره وه و بران بو بزی کورد چه شبوه تنک له خانه نیو دل
وله وصفی چاویکی یاش و دل لکینداجی ده بیتری!

دوعام کرد چاوه کت خوشی که خوشو له منی بیسار کرد
وه فیک آمان بلاله و: هه ر بزی زالم به بیاری!

هه میسان برو این تا بوتان دهر که وی بو بزی کورد چلون چاویکی
له ره که!

چاوی به تیلاد ته رفینی خواجه ته و چاوه تیشکی ته منی
بقیه در صفحه ۵

نماینده نامه کوهستان

در سقر

آقای تیمور زاده نماینده رسمی نامه کوهستان
در سقر میباشند آقایان مشترکین برای پرداخت وجوه
آب و نمان میتوانند بایشان مراجعه نمایند.

گرد و گردستان

(عطف نظر برشته کبیاد) اولاد نوس قیادی یعنی نوس مادی، سلاحدنسل در (ماد و پارس) یعنی ایران مستثنوی و مسافران تا زمان استیلای کوروش کبیر بر- «آزدیاک» سلطنت کرده اند. اما اولاد لهراسب کبیادی در - خاورستان سلطنت داشته اند سپس در «مادوپارس» هم تا استیلای اسکندر کبیر سلطنت کرده اند. هنگام استیلای کوروش کبیر بر کشور ماد و پارس اولاد لهراسب مسیانه طرفدار کوروش بوده اند کوروش هم با آنها نهایت محبت و نوازش راداشته است.

از لهراسب آناری در تواریخ مشهور نیست جز اینکه بعضی مینویسند که (هند) را تصرف نموده. اما تصرف هند بدون مساعدت پادشاه ماد و پارس برای لهراسب چندان سهل و آسان نبوده است شاید در لشکر کشی فریبرز به هند وستان لهراسب هم دخالت داشته یا رئیس سپاه بوده است که مورخین اقتبها فتح هند را بناو نسبت داده اند.

اما آثار کشتاسب پسر لهراسب خیلی زیاد است. قلمه سمرقند و دیوار خاور درست مشرق و شهر بیضا فارس از آثار او است مدفنش در شیراز است.

کشتاسب در حال حیات پدر بر تخت سلطنت جلوس نموده ۶۶۸ ق. م لهراسب در سال ۶۵۰ ق. م درگذشته است پایتخت کشتاسب اول بلخ بوده بعد به امپراطور پارس انتقال داده است. باعث شهرت کشتاسب بیشتر ترویج مذهب زرتشت کرد بوده است یعنی زردشت اخیر که توس ناچار از جلو گیری شده است کشتاسب در در سال ۶۰۲ ق. م درگذشته است.

حکمدار خاورستان در زمان کوروش کبیر پسر اسفند پسر کشتاسب. پسر لهراسب بوده است (۶۰۲-۵۵۳ ق. م) بیسن در مکتب عهد عتیق بنام - «اخشوریوش» مذکور است و یونانیان او را «آرتاگروسیس» میگویند. اردشیر دراز دست هم عیارت از اوست و اسفندیار پدرش را یونانیان «گروسس» یا گروسز میگویند که کشتاسب او را پبشنگ خاندان رستم فرستاد و در آنجا کشته شد.

پسین قلمرو خود را از هند تا حبش نوسه داد و مرکز خود را شوش مقرر ساخت (۴۶۴-۴۲۴ ق. م) این پادشاه یعنی پسر مادی بر طبق تواریخ کرده و تصریح کتب عهد عتیق «کتاب استیر فصل اول برصد ویست و هفت کشور» سلطنت

داشته است بعد از حکمت موصوف و قواین موشوقه او در تفسیر امور کشوری معروف است نوشته اند که پسرین بکین قتل پدر پبشنگ خاندان رستم رفت و فرامرز پسر رستم را بکشت در زینة التواریخ مذکور است که رستم درای و افه حیات نداشته است.

در عهد پسرین بنی اسرائیل خوشحال و در نهایت رفاه بوده اند بلشتر پسر پبشتر را که از طرف او حکمران بابل بوده معض آسایش خاطر بهبود مسزول کرده و بجای او کوروش نام که از اولاد جاماسب پسر لهراسب بوده و مادرش از بنی اسرائیل خواهر دانیال صبیور بوده والی آنجا نموده است «مروج الذهب جلد دوم صفحه ۸۲ و ۸۳ تاریخ سرجان ملکم جلد اول صفحه ۱۳ روضه المعانی صفحه ۲۲۸ و غیره.

ابن خلدون در صفحه ۱۶۲ و مسعودی در مروج الذهب صفحه ۶۴ و جامع بکورش مذکور مینویسد که از ملوک بابل بوده است بهر حال این کوروش مادی است و غیر از کوروش هخامنشی که در کتب عهد عتیق بکورش پاری یا کوروش پارس مذکور است.

«کتاب دوم تواریخ ایام فصل ۳۰ آیه ۲۲ و ۲۳ کتاب عزرا فصل اول و فصل سوم آیه هفتم و فصل چهارم آیه پنجم و کتاب دانیال فصل ششم آیه ۲۸ و فصل دوم آیه اول» پس اختلاف مورخین در جامع بکورش پیورود است و این کوروش غیر از کوروش هخامنشی است.

این مورد از جمله مواردی است که مستشرقین تحقیق اینجاب را تقدیر کرده اند.

پس از پسرین دخترش های حظه یونانیان بریزاد میگویند مدت چهل سال سلطنت کرده است (۵۳۳-۴۹۴ ق. م) پایتخت او در عراق در نواحی «تیسفون» بوده است گویا از انصاف فل پدرش آنجا رفته است یونانیها اشتباهانها را بریزاد نوشته اند بریزاد لقب داریوش پسرها است که برای تیره پسرین او را یری نسبت داده اند مستشرقین این تطبیق را هم تقدیر کرده اند در زمان سلطنتهای پس از درگذشتن کاوس هخامنشی پسر کوروش کبیر که یونانیها کامبوز میگویند. داریوش هخامنشی بر تخت «ماد و پارس» نشسته است (۵۲۱-۴۸۶ ق. م) - «گومانا» را کشته است.

وصف و تشبیه لاله لبه لبه استه دا

بینه از صفحه ۴

لایکه نوه نرمنی تریبی ده بزی :

چاو بیکم نهوی بی کله رمش بی و ، کوهه سارمرونک و گمش بی ؛
نه ری نه تانه وی بر این له کورودیدا تازیکی کولیکی روناکک
و خاون بر شه و وریش چون کراوه ، باشه چاو بیکش بختینه تمه لبه لبه ستی
< تازی > « دا کو و توبه نی :

که ره بزی له م په بولی دلوه وه دوربی له روت
واله سوزنیدا ، له سینه ، شاجرای گوتانه وه .

بویزی کورد له میکرا نه دا به ر وه خوار نه بیته وه وله بیان
گویه ناسکه کی غوشت ریسه که په وه کولاله یکی خوتینی بی چا
وه که ویت گوناوی «دم» ، ججا ، له خوشیدا ، خاوتی بیته وه وله نیو
دلوه وه وه کو بولبولیکی ده نک باش ته چریکینی وله لی ؛

قوربانی روتیم که شکستی بقمه ردا
حیرانی لجتیم که ره واجی به سه که ردا ؛

له م کانه واکود نالی ، «-» برانی لپی آله ، گیانی «ناری» له بان چناکی
خوشت ریسه که په وه ، له دستنی باوه شینی نژی یاره وه ، آلو زه بیته
وه اذارده کا ؛

لیوشه که ره فرمو به برجت باوه شینی لیوله کا ،
میسی گیانم ته ریشتی به بقندی چانه وه .

(به شوبنی که مه دادایسان نه نوسین)

سنه ، ناصر ، آزا (آزاد بود)

این داریوش پسر ویشناش پسر آرماس پسر آریسارام پسر سیاوش پسر کوروش اول پسر کاوس اول پسر سیاوش اول پسر هخامنش حکمران پارس و عیلام است که در کتبه های خودش نیز خود را هخامنشی معرفی کرده است و در کتب عهد عتیق به «سیاوش پارس» یا «داریوش پادشاه ماد» معروف است .

«کتاب احیاء فصل دوازدهم آیه ۲۲ و کتاب عزرا فصل چهارم آیه پنجم و یسعت و چهارم و فصل پنجم آیه ششم و هفتم» بیت المقدس را این داریوش تعمیر کرده است .

سپس در سال ۴۲۴ ق. م داریوش مادی یعنی داریوش پسر پسرین که از های منوله شده بود بر تخت سلطنت جلوس کرده و در تحت تملیحات غموسی مادر سلطنت نموده است او را «دارا» نیز گفته اند .

این داریوش بر تمام کشور ماد و پارس استیلاء یافته تا فلسطین در تحت زمامداری او بوده است و مدت بیست سال سلطنت کرده است این داریوش در کتب عهد عتیق به «داریوش مادی» مذکور است .

کتاب دانیال فصل پنجم آیه ۳۱ و فصل یازدهم آیه یکم و در فصل نهم آیه اول تصریح شده که داریوش پسر «اخشوریوش» از نسل مادایان است بنابراین تفصیل از سلسله گیان یازده نفر سلطنت کرده اند از اینتراو :

- ۱- کبیاد ۲- کیکاوس ۳- توس ۴- فریبرز ۵- کواکسار
- ۶- آزدیاک ۷- لهراسب ۸- کشتاسب ۹- پسرین ۱۰- های ۱۱- دارا یعنی داریوش بریزاد .

در سال ۳۳۰ ق. م اسکندر مقدونی بر ایران « یعنی ماد و پارس» تاخت پس از جنگ سختی در نواحی هلیز «اریل» داریوش بدست دو نفر جنایتکار همدانی «جانو سیار ، ماهیار» کشته شد و دولت ماد شامه یافت و تمام کشور تحت تصرف و استیلای اسکندر کبیر در آمد ، و تا سال ۳۲۳ ق. م سلطنت او در ایران دوام داشت .

نظافت و پاکیزگی کودک

بقیه از صفحه ۳

یز دو بیضی موافق اضافه نمودن مقداری نشاسته یا خردل با مپوس در آب حمام فواید بسیاری در بر دارد. هیچگاه از استحمام کودک ناخوش و اهاه نداشته باشید. علاوه بر نظافت که شرط اصلی وجود بهداشت است در موقع تب يك حمام نیم گرم درجه تب را پائین می آورد و در سرما خوردگیها حمام گرمتر (در حدود ۳۸) تاثیر خوبی می بخشد ولی احتیاط در بعضی موارد مثلا بعد از دادن مسهل و در بعضی ناخوشیها که بزشت دستور خواهد داد از آب تنی کودک باید صرف نظر نمود.

هر قدر سن کودک زیاد میشود در مواظبت ناخن ها بایستی بیشتر دقت نمود. هر چند روز یکبار ناخنهای دست و پا را کوتاه کرده و روزی چند مرتبه انگشتها را با آب و صابون بشوئید زیرا یکی از عادات کودک مکیدن انگشتها است و گاهی با بینی خود بازی میکند اینست که انگشتان کودک را همواره باک نگاه داشته و متعزین بینی را هر روز با پنبه و آب جوش نیز نمائید. چنانچه قشرهای چربی روی سر کودک متراکم شود برای برداشتن آنها هنگام عصر مقداری گلبسین باوازلین روی سر مالیده و صبح بعد با آب و صابون سر را شستو دهید.

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۳/۱۹ - بانوقاطعه (حسن) بشناستامه شماره ۵۸۵۱ باستاندیکبرک ذواهبنامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۴۸۳/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم صادق (حسن) دارنده شناسنامه شماره ۵۸۴۸ در تاریخ ۱۳۲۳/۱/۳ در تهران جایگاه هبشگی خودوفات یافته و متقاضی بانوان شوکت (صادق سلمان) بشناستامه شماره ۵۸۵۴ و ضفری بشناستامه شماره ۵۸۵۰ و زهرا حسینی به شناسنامه شماره ۵۸۹۴ دختران و آقای خیدر حسینی بشناستامه شماره ۵۸۵۲ پسر متوفی و وراثت متعزز می باشد پس از شنیدن ذواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مربوطه ابراز و الا وروصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۱ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

آگهی حصر وراثت

تاریخ ۱۳۲۴/۲/۱۳ - آقای نور الدین عصار سوکات از طرف آقای رضا (ابراهیم خان) باستاندیکبرک گواهینامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۴۴۲/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم حسن ابراهیم خان دارنده شناسنامه شماره ۸۰۹۹ در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه هبشگی خودوفات یافته و متقاضی آقایان تقی بشناستامه شماره ۴۰۳۰۲ و علی بشناستامه شماره ۴۰۳۰۰ پسران و بانوان خورشید ابراهیم خان بشناستامه شماره ۴۰۲۹۹ و صدیقه ابراهیم خان بشناستامه شماره ۵۰۷ دختران و يك میال دانسی بنام بانو عصمت ابراهیم خان بشناستامه شماره ۸۱۰۱ غیر از ۸ نفر نامبرده ورته دیگری ندارد پس از شنیدن ذواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود و با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مربوطه ابراز و الا وروصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۱ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

بقلم آقای مظفر اردلان
جنگ اروپا پایان رسید ولی عوارض آن باقی است

امروز (۳۴/۳/۲۶) صبح که از منزل حرکت کردم مناظر دلنرانی در مسیر خود دیدم چندین زن و طفل و مردمان پریشان روزگار که در کنار خیابانها و معابر شسته و باحال رقت انگیز به تکلی و استغاثه مشغول بودند که بی اختیار اشکم جاری و بر بدبختی خود و هموطنانم گریه کردم دست بیچاره چون بجان نرسد چاره جز بیره دریدن نیست جز گریستن بحال يك جامعه نادان چاره نیست لااقل صد تفره روزنامه و مجله در این مرکز فساد باشکال مختلف هر روز منتشر میشود واحدی در فکر آسایش جامعه عقبنی ایران بوده و حال آنکه اگر ماملت سه روز متفق و متحد و سعادتمند بودیم نیابستی نسبت به هموطنان و برادران زادی خود نقاشی نمائیم و اگر نقی در اخوان زادی خود ببینیم بطور محبت خصوصی آنها را با لحن ادب متذکر سازیم و رفع نفس را در خواست نمائیم چه سکه هنکی ایرانی هستیم و هر فردی نفسی داشته باشد مثل اینست همه ما دارای آن نقصان هستیم چو در قومی یکی بیداشتی کرده که رامتزل مانده را - حیوانات فردی دامند خیر جامعه است اگر جامعه خوب باشد افراد هم اصلاح میشوند - منجمله جنگ اروپا بی پایان رسید تا کسی و ناپخته باید این ملت ناتوان پریشان دچار عوارض آن باشند و تا چه مدت دیگر این جامعه پریشان روز ایرانی بساید لغت و برهنه ولات گرسنه شب بی شام سریالین بدبختی نگاه دارند متفقین فاتح و قوی پنجه ما مشغولند به دشمنان خود ترجم کرده آسایش میدهند چطور میشود که در فکر راحتی و رفاهیت دوستانشان نباشند - پس نفس در خود ماست - ما کولات و مشروبات و پوشاک و غواربار و ... یوه که از اروپا و خارجه نیاید تا کسی بر مردم سه روز ایران گوشت کیلوی چهار ربال و گیلای کیلوی هشتاد ربال و همچنین سایر مایحتاج زندگانی را بقیمت جان بخرند و بی آرزوی خوردن را بگور بزنند بهر حال زمامداران ملت و دولت متوجه باشند متفقین هست - سوزدل درویش بسوهان مانده - گر خود نبرد برنده را تیز کند.

کوهستان - خرابیهای اوضاع و بدبختیهای مردم نه بعدی است که بتوان نگاشت . بقیده ما افسوس خوردن نتیجه ای ندارد بلکه این اوضاع رقت بار باید احساسات ما را تحریک کند در صد چاره برآئیم.

چاره راهم جز در اتحاد و اتفاق و صمیمیت نمیتوان یافت تا ملحقای قوم جمع نشوند و تا اینان با هم هم بیان نگرندند هیچگونه اصلاح امکان پذیر نیست پس بیایید ملحقای قوم جمع شوید آنگاه را که ازوا اختیار کرده اند امید دهید، حب و بغض و نظریات خصوصی را کنار بگذارید و مردانه سوگند یاد کنید بیراهون خیانت نگریدید آنگاه با قدمهای بلند محکم ایران را بشاه راه سعادت سوق دهید .

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اهترک سالانه

۴۰۰ ریال

تک شماره

۴ ریال

مقالات وارده مسترد نمیشود و اداره روزنامه در دوج با حله و اصلاح آنها آراه است

محل اداره : شاهان پهلوی کاهی شماره ۱۵۲۴

تلفن شماره ۸۵۳۹

ساعات مراجعه هر روز صبح باستانهای ایام تعطیل

از ساعت ۹ تا ۱۲ پیماه

نامه ها و تلگرافات وارده

از مهاباد

آقای حسن دهبوگری می نویسد :
 اصالتاً هر دیشرفی که حسن پشیرت داشته باشد اهلیت انتشار آن نامه و بیان حقایق آذربایجان نخواهد بود هر چه فکر میکنم که در ازاء این کورگران بهایچه چیز را لایق تقدیم نمودن باید دانست خدای عالم گواه است چنان خود را هم قابل ثناء بنمایم و...

از سردشت

یکی از خوانندگان ما از هلیات حسن اسپیل زیاد و سوء استفاده ها و اذیت و آزارهایی که مینماید شکایت کرده ولی تصریح ننموده که این شخص چه شغلی دارد و جزو کدام اداره است. از کسانی که از هلیات این شخص اطلاعی دارند و اگر واقفاً هلیاتش قابل تحقیق و تارواست حشروما یا بنویسند تا اقدام لازم بنمایم.

از گرماشاه

آقای ح. محمودیان می نویسد،
 ملوک کوکب درخشان نامه محبوب کوهستان از افق مطبوعات باعت مسرت و خوشبختی عوم اگر ادمصوما اهالی نجیب کرمان- شاه گردیده است!

از بوکان

آقای عبدالله بیرومنه از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از سنندج

آقای معدعلی داناتی شرمی تحت عنوان «حق گوئی» ارسال داشته از موضوع فرهنگ سنندج اظهار رضایت و خوشنودی

نموده اند و از جدیت آقایان تغلی-مدیری- و مهاجر قدردانی نموده اند.

کوهستان - ما معتقدیم یکی از راه های اصلی اصلاح جامعه توسعه فرهنگ می باشد بنابراین اولیای فرهنگ و ضایف خطیری را عهدیه دارهسته اگر مسئولین آن امور بخواهند وجدانا اهتمام وظیفه گشته خدمت شایانی به آب خاله ایران نموده در صورتی که از انجام خدمت سر باز دادند مرتکب خیانت بزرگی شده اند. از این جهت از خوانندگان محترم استدعای تقاضا میشود نظریات خود را در باره فرهنگ در استان و وضعیت آن مشروط باینکه متکی بضاوت عادلانه و از روی اوصاف و وجدان باشد برای ما بنویسند تا در صورتیکه لواطی داشته باشد آنقدر که میتوانیم در رفع آن اقدام کنیم.

از گرماشاه

شرعی یا معنای حق گو غلط باغای وارثا رئیس بازمی کرمانشاهان با اداره روزنامه رسیده گشته در آن از هلیات آقای صالحی رئیس انتماء شکایت نموده و از خلاف کاری های او منفصلاً نوشته است اگر چه شکایات متعددی که از آقای صالحی رسیده تا حدی نشان میدهد که در کارها از روی صلاح چندان جدیتی خرج ننموده ولی نامه وارده فون چون امضاء نداشت درج نشد بعلوه عبارات خارج از تراکمی هم در آن خوانده میشد که البته منافی هفت قلم بود از نگارنده این نامه خواست دارم در صورتیکه اطلاعات دیگری هم داشته باشید بنویسند و کافه خود را هم امضا بنمایند و در صورتیکه مایل باشند نامشان مطوفاً خواهد ماند.

از مراغه

آقای تابانی وکیل رسمی دادگستری می نویسد: از افتتاح و نشر روزنامه کوهستان که بگانه منبع درس مبین برستی و طراوت بخش مورد استفاده روحی تمام ملت وطن برست کشور بر عظمت ایران شامه ملت نجیب مبین دوست کرد میباشد با صدای اسلامی و وطن دوستی خود برض تبریک جمیانه وی آرایش در مقام مصادعت بر می آیم و...

از هاندوآب

آقای ابراهیم قهرمانی دهبوگری از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از سنندج

چند خراز خوانندگان ما ضمن شکایت از ترقی اجناس مینویسند که آقایان حاج محمد صلاحی - حاجی احمد شمس - احمد ملکی بوسایل مختلف و بوسایه اشخاص ذیل: یاقق - اکبری - خانی - مجید نام و سایر امانت فروشها و دلان بازار بنام اینکه کثرت روغن لشکسر را دارند که اطراف را خریداری نموده بهسدان حمل می کنند.

کوهستان - در یکی از شماره های قبل گزارش غیر نادر رسی خود را در ارجع به گرانی روغن درج کردیم این اطلاعات گله های قبلی را تأیید می کند ما گمان کردیم آقایان اقلا رفاقی بحال هم شریب خود خواهند نمود معلوم شد بر خلاف انتظار هبشطن چنانچه نمودن روغن ادامه میدهند ما لازم میدانیم مقامات مشول کردستان پس فرمانداری و شهرداری را مخاطب قرار دادیم چه از آنها بخواهیم که باین موضوع رسیدگی نمایند چنانچه باز هم شکایاتی در این زمینه برسد ناچار خواهیم بود بر سوء بت متصدان مشول حمل لایم

اطلاع

استقبال شایان خوانندگان گرامی از نامه کوهستان و مطالب وارده فراوان ايجاب میکند که در آینده نزدیک بر منفعات روزنامه افزوده و با آنرا در قطع بزرگتری منتشر سازیم.

از خوانندگان محترم تقاضا میشود نظریات خود را در این باب یا بنویسند تا در این تبییر حق القدر نظریات عوم مراعات گردد

از مشترکینی که تا بحال وجوه آبیونان را پرداخته اند تقاضا میشود هر چه زود تر آنرا ارسال دارند مشترکین شهرستانها مینوانند وجوه اشتراك را توسط نمایندگان ما ارسال داشته و یا مستقیماً برسته

از مشترکین محترم

تقاضا میشود از لحاظ کمک به نظم و ترتیب توزیع اگر روزنامه شان نرسید لطفاً ما را مطلع سازند زیرا هر هفته مرتباً روزنامه به آدرس کلیه مشترکین به پست داده میشود.

وقایع در شهر پایزید فرمانده توای سرحد « ترکیه - ایران » بود و در مدت مأموریت خود اطلاعات کاملی از این مناطق بدست آورده بود.

این شخص که زمانی مأمور حفظ حقوق دولت ترکیه در مجال پایزید بود اکنون در صف مدافین حقوق اکراد در آزادات قرار گرفته مدعی رفع حاکمیت ترک از تمام کردستان بود. با سوابق شجاعت و شهامت و کاردانی که این افسر در مدت خدمتش در قشون ترک ابراز داشته بود و با اطلاعی که فرمانده سپاه ترک از درجه نصب ملیت او داشت خبر وجود او در میان چنگجویان آزادات خصوصاً در این هنگام تأثیر فوق العاده ای بشعبه.

پس از اینکه قشون ترک از آزادات عقب واصله شد مشارالیه پست های نظامی کرد را تاسیس و برجم کردستان آزاد را بر فراز این پست ها برافراشت.

در این موقع آگری « تنها دارای تشکیلات نظامی شد بلکه سازمان های اداری هم بوجود آمد و بدین ترتیب قسمت جنوب آزادات با این تشکیلات تحت تسلط کردها در آمده مرکز فدائیان ملی کرد گشت. یادبرجم آزادی را باهتزاز در آورده و میلیون کرد از ایسی موقبت خوشوقت و باصدالی که از شادی و غرور کوهها را بلرز در میآورد سرود ملی خود را میخواندند که میگفت:

شرق و غرب باسک و مگر تی پی د بالها را شرق و غرب باز کرده ای

چنگ بسیار خوبین شده بود مدافین موقبت خطرناکی داشتند هوا منتقل شد باران بشدت باریدن گرفت. برده ضعیفی از مه روی کوه را پوشانیده این فنلکاه ایج و دلنراش را از نظر ها پنهان کرد.

آزادات بکمک فرزندان خود برخاسته بود فدائیان این فرصت را از دست نداده سهله میبوی کردند. وقتیه هم مرتفع شد آزادات نمایان گشت و توای ترک در هم شکسته شده آزاداتی ها بظلم سلاح برداختند ولی بگرفتن اسیر چندان توجهی نداشتند با وجود این در میان اسرا پست و سه نفر افسر ترک بودند که پس از بیست و چهار ساعت آزاد گشتند.

در این جنگ اسلحه و مهمات زیادی بدست آزاداتی ها افتاد.

اثر این فتح در ناحیه چنگجویان آزادات نمایان بود گوئی ترانهایی به آگری غلط کرده میگفت:

نه والی تونزی خون بو (دوه های توپرا خون شد)
 خلغه نزی چنگ بو (شکاف سنگهای تر بر از بخش شد)
 راسته بری آگری تو بو (راست است در قدیم تو آتش بودی)
 ابرو آگری لاون تو بو (امروز فرزندان تو آتش شد)
 هنوز واحد های شکست خورده سپاه آزادت را ترک نگفته بود فرماندهی ترک مطلع شد که احسان نوری نیز در میان جنگ جوان آزادات است.

احسان نوری از افسران کرد ترکیه بود و در پنجال قبل از این

اداره کل ژاندارمری

توجه کند

انتخاب ستوان اول فولادوند فرماندهی دروهران
 ژاندارمری سنتج موجب هم وصلت اهالی شده و
 سوابق سومی برای این امر بیان نودماده لازمیدانیم
 توجه اداره کل ژاندارمری با انتخاب افسران مخصوصا
 در تواسی منتظره کردستان جلب نمانیم.
 انتظار داریم اداره کل ژاندارمری سوابق
 این امر را رسیدگی نموده در صورتیکه نامالحق و بد
 سابقه است از این کاربرد کنار گردد.

شرافت و میهن دوستی

پایه از صفحه ۱

ماشاهه ماشاهه در درستی و امانت این آناهان سرآمد دهرند با
 ناچار آنها را باید بیادش بگیری تا شاید اعقاب آنان را از رخوت
 خارج کند.

تمام اینها ننگ است بدبختی است بیچارگی است همه تعمیر
 کاریم زیرا بوظیفه خود عمل نیکم ولی از همه مفسرتر صلحای قوم
 و گوشه گیرانده که با ازوا گزیدن بازار این هرج و مرج را رونق
 داده اند.

بیایید ای اشخاص شرافتند که بقینا همه بسیاری هشید در
 هائی خانه و آگه بروی خود بسته اید بکشاید قدمی در این اجتماع از
 دست نرفته بگذارید بغاطر ایران بغاطر شرافتی که بدان پاینده
 نکالی بخوید آن کتاب هائی که شمارا بطالعه مشغول داشته بود
 بریزید کتاب بدبختی مردم کتاب خطرناو زوال ایران را ورق بزنید
 سرعت بخوانید متاثر شوید و بوظیفه وجدانی خود عمل کنید.

همان شرافت و میهن پرستی را که در اعقاب شما ریشه داونیده
 آشکارا شمار خود قرار دهید دعوت کنید آنان که باین شماو خفیه
 پاینده بشا بیبوندند اطمینان داشته باشید جزئی کوشی بزودی
 شمارا با عمل خود خواهد رسانید.

ایران نجات خواهد یافت فقر و مسکنت رخت بر خواهد بست
 و درجه امید بروی ایران کهنسال گشوده خواهد شد.

چاپخانه کشاورزی

تلفن ۷۸۷

بنا بر این ما غیبی خوشوقتیم خوانندگان محترم ما
 اینگونه سوغاتها همهارا در صفحات نامه کوهستان منعکس نموده و با
 اظهار عقیده و انتقاد این قسم تبلیغات به کاره خائنار را بر هم زده
 اطمینان داشته باشید تا موقیبه نامه کوهستان منتشر شود
 صفحات آن میدان مبارزه حق با باطل خواهد بود و مانهات جدید را
 خواهیم کرد که فتنه های سوم بر هم زده شود و از کلیه حقوق
 اکراد تا بتوانیم دفاع خواهیم کرد خواه موضوع مورد بحث کلی
 یا جزئی باشد.

جلوگیری از مواهب الهی

آقای مدیر محترم نامه کوهستان،
 گرامی نامه جنابعالی را از نخستین شماره
 خواندم و آنرا زبان کرد تصور کردم
 اصافا هینطور هم بود ولی تاکنون که
 شماره ۱۳ آن بنا رسیده منی شماراتها
 دویز بیات امور نشان میدهد از قبیل درج
 غلامه شکایات و افتاد از مامورین و امثال
 اینها در صورتیکه انتظار کردستان از یک
 فرزند رشیدی مثل شما بسیار بالاتر و بیشتر
 از اینهاست.

کردستان امروز نیازمند بحث در
 کلیات شتون اجتماعی است. متاسفانه ضیق
 صفعات نامه کوهستان اجازه نمیدهد بتعمیل
 پرداخته معال و آنطور که شایسته است
 تشریح کنیم تا گریز بطور اعتماد بوسله
 گرامی نامه میخواهم یک موضوع اساسی
 را بفرش دولت برسانم.

یکی از مباحث بسیار مهم و حیاتی
 کردستان زبان است تا امروز تاریخ نشان
 نمیدهد در هیچ دوره و هیچ زمانی زبان
 ملتی ممنوع شده باشد و در صحر حاضر
 نیز نمونه این کار جر در ایران در هیچ نقطه
 دنیا پیدا نمیشود. در مسالک اتحاد جماهیر
 شوروی تمام ملل آن کشور زبانشان آزاد
 و رسمیت دارد در مسالک امپراطوری
 انگلیس کلیه زبانهای ملل آزاد است -

هیچچنین در آمریکا و فرانسه و...
 اهمیت زبان در نظر قرآن بالاتر از
 همه اینهاست بطوریکه در سورة ۳۰ آیه
 ۲۱ میفرماید «ومن آياته خلق السموات
 والارض واختلف اللسکم والوانکم ان
 فی ذلك الايات للعالین» یعنی از آیات
 و علام قدرت خداوند مثال است خلق
 آسمانها و زمین و گو ناگونی زبانها و رنگ
 های شما و بطور قطع در آنها نشانیهای
 است برای جهانیان.

چنانکه خدای بگانه زبانها را برابر
 آسمانها و زمین قرار داده و بهمان پایه
 مهم شمرده است آیا چنین موهبت الهی را
 میشود با زور و فشار از بین برد بگوامی
 تاریخ الاشمه زار سال قبل از میلاد زبان
 کرد خود را خالص و پاکیزه نگاهداشته و
 هیچ زبان و لغات بیگانه آلوده نکرده است

آیا ممکن است زبانی را باین سوابق
 تاریخی و با ادبیات برجسته و عالیش محو
 و نابود نمود
 خیر!

جلوگیری از مواهب الهی و مبارزه
 با طبیعت در هیچ زمان و مکانی برای هیچ
 کس مقدور و میسر نبوده و نیست بیابند از
 خیر!

اینکه اشاعه یافته زبان کردی را منع
 میدانند این هم از همان اشاعه هاست که
 مامورین برای استفاده خود در گوشه و
 کنار تفرقه سراسی میکنند همانطور که
 اعمال زشت و ناپاکارانه باز مامورین دستور
 دولت نیست این قسم اشاعه هاست از ناحیه
 دولت نییاست

آن افکار تاریک و پوسیده کسی بکاهد
 بر آن مجید و قانون اساسی و قومی بگذارد
 ملت ممنوع کردن زبان کردی و نادان
 استیاز روزنامه و مجله کردی و جلوگیری
 از تحصیل بزبان شیرین کردی چیست !!
 چرا دولت همیشه از این مباحث رو
 بر میگرداند؟

اگر دولت حاضر بیعت و دقت باشد
 ما بسهولت میتوانیم ثابت کنیم که تسبیلاتی
 در زبان کردی نه تنها مضر نیست بلکه
 باعث تشویق و امیدواری عموم اکراد خواهد
 بود.

بوکان عبدالرحمن شرفکنندی
 کوهستان - اظهارات نگارنده
 محترم که نویسنده این مطلب و علاقه به
 زبان کردی است کاملاً بیگناهیست ما هم تعذیب
 داریم که زبان را نمیشود و نباید ممنوع کرد
 اما در قسمت اخیر مقاله اختلاف عقیده داریم
 ایشان میگویند زبان کردی را منع کرده اند
 امتیاز روزنامه بزبان کردی داده نمیشود.
 ما میگوییم دولت زبان کردی را ممنوع نکرده
 و نمی کند امتیاز روزنامه کردی را هم
 کسی تقاضا نکرده تا معلوم شود آبامی
 دهند یا نه.